

مضامین و نحوه بیان اندیشه دینی در اشعار کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی

سارا وثوقیان منش، جلیل نظری*، محمدهادی خالقزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

شهریور ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۸، صص ۲۵۶-۲۲۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6630

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: اشعار کودک و نوجوان دارای مضامین گسترده‌ای است که از آن میان، مضامین دینی به علت حساسیت تربیت دینی در دوران کودکی، توسط شاعران کودک و نوجوان - خصوصاً پس از انقلاب - بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، به بررسی مضامین و نحوه بیان اندیشه‌های دینی در اشعار پنج شاعر شاخص کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی (جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی و شکوه قاسم‌نیا) پرداخته می‌شود.

روش مطالعه: این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: شعر دینی کودک و نوجوان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رشد کمی و کیفی چشمگیری پیدا کرد و شاعران به موضوعات جدید دینی مانند قرآن، نماز، روزه، مدح و مرثیه ائمه اطهار پرداختند.

نتیجه‌گیری: شاعران کودک این دوره در انتقال مفاهیم دینی از روشهای غیرمستقیم مانند دعا از زبان حیوانات، خاطره‌گویی، شیوه پرسش و پاسخ، گفتگو، چیستان، داستانهای دینی و داستان از زبان حیوانات استفاده کرده‌اند. از منظر بسامد، مفهوم خدا از مضامین پرکاربرد اشعار کودک و نوجوان ایران است و شاعران سعی میکنند با استفاده از شگردهایی خاص مانند بیان آفریده‌ها (خصوصاً طبیعت) و نعمتها و صفات الهی، پاسخی برای سؤالات بی‌پایان کودکان در زمینه خداشناسی بیابند. شاعران کودک علاوه بر این مضمون، مضامین دینی بسیاری مانند حمد و ستایش خداوند، و اعمال عبادی را با طبیعت و عناصر آن پیوند میدهند تا از طریق آموزش غیرمستقیم و استفاده از عنصر طبیعت، که کودکان شناخت کافی از آن دارند، میزان تأثیرپذیری کودکان از این مفاهیم را بیشتر کنند.

تاریخ دریافت: ۲۴ دی ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۶ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۱ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۷ فروردین ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

شعر کودک، مضامین دینی، خداشناسی، نماز، معصومین.

* نویسنده مسئول:

J.nazari@iauyasooj.ac.ir

۳۳۳۱۲۲۱۲ (+۹۸ ۷۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Themes and expressions of religious thought in the poems of children and adolescents

S. Vosoghyan Manesh, J. Nazari, M.H. Khaleqzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 January 2022
 Reviewed: 15 February 2022
 Revised: 02 March 2022
 Accepted: 16 April 2022

KEYWORDS

children's poetry, religious themes, theology, prayer, Ma'sumin.

*Corresponding Author

[✉ J.nazari@iauyasooj.ac.ir](mailto:J.nazari@iauyasooj.ac.ir)

[☎ \(+98 74\) 33313212](tel:+987433313212)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The poems of children and adolescents have a wide range of themes, among which, religious themes due to the sensitivity of religious education in childhood, have been given more attention by poets of children and adolescents, especially after the revolution. In this article, the themes and the way of expressing religious ideas in the poems of children and adolescents are examined.

METHODOLOGY: This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: After the victory of the Islamic Revolution, the religious poetry of children and teenagers experienced a remarkable quantitative and qualitative growth, and poets addressed new religious topics such as the Qur'an, prayer, fasting, praise and lamentation of the imams.

CONCLUSION: In conveying religious concepts, poets have used indirect methods such as prayer in the language of animals, reminiscence, question and answer method, conversation, riddles, religious stories and stories in the language of animals. From the perspective of frequency, the concept of God is one of the most widely used themes in Iranian children and adolescents' poems. In addition to this theme, child poets combine many religious themes such as praise of God, acts of worship, etc. with nature and its elements in order to be effective through indirect education and the use of the element of nature that children are well acquainted with. Increase these concepts on children.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6630](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6630)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 51	 2	 0

مقدمه

مضمون و محتوای شعر کودک از اهمیت بسیاری برخوردار است. این مضمون باید به دنیای کودک مربوط و برای او قابل درک و از مفاهیم انتزاعی به دور باشد. علاوه بر آن مضامین باید از تنوع برخوردار باشند؛ زیرا شعر کودک علاوه بر سرگرم کردن و لذت بخشیدن به کودک، باید در تکامل شخصیت کودک از جنبه‌های مختلف سهمی ایفا کند. «از تفاوت‌های عمده ادبیات کودک و نوجوان با ادبیات بزرگسالان، درونمایه آثار خاص کودک و نوجوان است که باید با عواطف و احساسها، کنجکاویها و تجربه‌های آنان تناسب داشته باشد؛ همچنین موضوع ادبیات کودک و نوجوان، گسترده‌تر از ادبیات بزرگسالان است» (قرزل‌یاغ، ۱۳۸۳: ۵۰). یکی دیگر از تفاوت‌های ادبیات کودک با ادبیات بزرگسال در گستردگی مضامین آن است. «از جنبه موضوع، شعر کودک بسیار پرحاشیه و متنوع بوده و ممکن است هر چیز، هر پدیده و هر امری از امور محیطی را که در حوزه حواس کودک قرار داشته و قابل درک و جذب باشد شامل شود» (غفاری، ۱۳۷۹: ۱۵).

یکی از مهمترین مضامین ادبیات و شعر کودک، مضامین دینی است. «ادبیات دینی کودکان و نوجوانان، انتقال مفاهیم موجود در جهان‌بینی دینی در قالب ادبیات کودک و نوجوان است» (کرمانی، ۱۳۷۸: ۲۹) و «منظور از شعر دینی آن دسته از سروده‌هایی است که مستقیماً به یکی از موضوعها، پدیده‌ها یا شخصیت‌های دینی مربوط میشود» (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). به دلیل اهمیت باورهای دینی در زندگی انسان، آموزش این مسائل و آشنایی با آنها از دوره کودکی آغاز میشود. از سویی کنجکاوی و پرسشهای فراوان در این زمینه، وجود این عنصر را در ادبیات کودک ضروری میسازد؛ بنابراین «تربیت دینی یکی از وظایف ادبیات کودک محسوب میشود» (فضیلت، ۱۳۸۶: ۳۳). از سوی دیگر ارتباط عمیق باورهای دینی با روح انسان، محدودیتهایی را در انتقال آنها به کودک ایجاد میکند؛ چراکه روح امری مجرد است و درک مفاهیم مجرد برای کودکان دشوار و گاهی امکان‌ناپذیر است. آموزش مفاهیم دینی، بیان اهداف و مقاصد دینی-اخلاقی و همچنین بیان احساسات، اعتقادات و تجربه‌ها و دغدغه‌های دینی از جمله وظایف ادبیات دینی و خصوصاً اشعار دینی کودکان است. «هدف از کاربرد مفاهیم دینی در شعر کودک، تعالی بخشیدن به کودک، آماده‌سازی او برای به عهده گرفتن وظیفه دینی، پرورش قوه تفکر و در نهایت تربیت دینی کودک است؛ چراکه این مضامین اگر سنجیده انتخاب شود، پرورنده روح و گسترنده ذهن اوست» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

در این مقاله که با هدف نحوه بیان اندیشه‌های دینی و انواع مضامین آن در اشعار کودک و نوجوان پس از انقلاب، نگاشته شده است، پس از بیان روشهای انتقال مضامین دینی در شعر کودک، انواع این مضامین و خصوصیات خاص هر یک بررسی و تحلیل خواهد شد.

روش مطالعه

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا انجام شده و به منظور گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بررسی نحوه بیان اندیشه دینی و مضامین خاص آن در اشعار کودک و نوجوان، اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (جعفر ابراهیمی، شکوه قاسم‌نیا، مصطفی رحماندوست، اسدالله شعبانی، افسانه شعبان‌نژاد) مورد بررسی قرار گرفت.

ضرورت و سابقه پژوهش

تعلیم و تربیت دینی کودکان و نوجوانان و استفاده از روشهای مطلوب آموزشی و تربیتی، همواره مورد توجه

مسئولان و دست‌اندرکاران این حوزه بوده است. به همان اندازه که مطالب و محتوای تعلیم دینی برای کودکان دارای اهمیت است، نحوه بیان این مطالب در قالب اشعار نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در خصوص نقد و تحلیل اشعار کودک، بسامد زیاد موضوع خدانشناسی در اشعار کودک باعث شده پژوهشگران در اکثر مقالات به تحلیل موضوع خدانشناسی در اشعار کودک و نوجوان بپردازند، مانند امیدعلی و اسکندری (۱۳۹۷) در مقاله «راه‌های تعلیم خدانشناسی به کودکان در شعر کودک» که به بررسی راه‌های تعلیم خدانشناسی به کودک در اشعار کودک و نوجوان پرداخته‌اند. یا شکرالله‌زاده و خوشبخت (۱۳۹۱) که در مقاله «بررسی راه‌های خدانشناسی در کتابهای شعر کودک و نوجوان انتشارات کانون پرورش فکری در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷» با محدود کردن اشعار کودک (منتشرشده در انتشارات کانون پرورش فکری) همین مضمون را بررسی کرده‌اند. موضوعات محدود دینی دیگری نیز در اینگونه مقالات بررسی و تحلیل شده است. بعنوان نمونه صهبا، عمران‌پور و اسکندری (۱۳۹۵) در مقاله «بیان شاعرانه مضامین قرآنی در شعر کودک (مطالعه موردی خدانشناسی)» به بیان شاعرانه مضامین قرآنی در شعر کودک - البته باز در حیطه خدانشناسی - پرداخته‌اند؛ بنابراین تا کنون تحقیقی در مورد نحوه بیان اندیشه‌های دینی در اشعار کودک انجام نشده است؛ همچنین مضامین اشعار کودک پس از انقلاب بصورت جامع در تحقیقی واحد بررسی و تحلیل نشده است.

بحث و بررسی

تقسیم‌بندی مضامین شعر کودک: تقسیم‌بندی آثار بر اساس محتوا و مضمون، یکی از روشهای رایج در ادبیات کودکان و نوجوان است. در برخی از این تقسیم‌بندیها دقت کافی مبذول نشده و شرط لازم در تقسیم‌بندی علمی رعایت نشده است؛ برای مثال تقسیم‌بندی اشعار کودک به پنج نوع «لالایی، اشعار بیمعنی، اشعار مربوط به زندگی کودکان، قصه‌ها و حکایات منظوم، و اشعار طبیعت» (مرتضوی کرمانی، ۱۳۶۴: ۲۱۲-۲۱۴) کاستیهایی دارد، اما برخی دیگر علمیت به نظر میرسد مانند تقسیم‌بندی کیانوش: «وصفی، تمثیلی، رفتاری، آموزشی و چندجانبه‌ای» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۶۹-۱۱۹) که اگرچه کاملتر است ولی باز هم جامع و مانع نیست و موضوعات دیگر اشعار کودک را مانند اشعار طبیعت‌گرا، سرگرم‌کننده، سیاسی-اجتماعی، مذهبی، آموزشی، تربیتی-اخلاقی شامل نمیشود؛ بنابراین بهتر است مضامین شعری کودک به شش گونه طبیعت‌گرایانه، اخلاقی، دینی، آموزشی، سیاسی، و اجتماعی تقسیم شود.

تناسب افکار مذهبی با رشد کودک: محققان تعلیم و تربیت، رشد و تفکر مذهبی را به سه دوره تقسیم کردند که عبارتند از: تفکر شهودی (هفت تا هشت سالگی)؛ تفکر عینی (از هشت تا حدود چهارده سالگی)؛ تفکر انتزاعی (از حدود چهارده سالگی به بعد) (استادزاده، ۱۳۹۱: ۲۰) و (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۸۷). کودکان هرچه خردسالتر باشند، انتزاع در زندگی آنها کمتر جای دارد و فقط میتوانند آنچه را با حواس پنجگانه خود حس میکنند، درک نمایند. از آنجا که بخشی از معارف دینی، کیفیت انتزاعی دارند و درک آن برای کودکان دشوار است، «اندیشه‌های دینی با توجه به مخاطب سنی در شعر کودک و نوجوان قابل پیگیری است؛ چراکه هر قدر گروه سنی مخاطب پایینتر باشد، اندیشه‌های مربوط به ایدئولوژی و مذهب در شکلی ساده‌تر به کار گرفته میشوند و در سالهای بالاتر، این اعتقادات در چهارچوبهای پیچیده‌تر و گسترده‌تری ارائه میشوند و محور عمودی و معنایی شعر را تقویت میکنند» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۰۸).

روشهای انتقال و آموزش مفاهیم مذهبی-دینی: سیدعلی کاشفی خوانساری در کتاب «ادبیات دینی کودک

و نوجوان» معتقد است ادبیات مذهبی به دو شکل پنهان و آشکار در مخاطبان خود تأثیر خواهد گذاشت: ۱- شکل آشکار یا آموزشی آن که تبلیغ غیرمستقیم و هنرمندانه یک حسنه یا ویژگی اخلاقی و رفتاری یا انتقال اطلاعات دینی است. ۲- شکل پنهانی و درازمدت آن که انتقال روح مذهب، ایمان و ولایت میباشد و بطور کامل دیدگاه، تفکر و خط مشی مخاطب را شکل خواهد داد (کاشفی خوانساری، ۱۴۰۰: ۳۳۴).

در تعلیم و تربیت کودکان، آموزش غیرمستقیم همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است؛ زیرا «آموزش مستقیم بخصوص در زمینه مسائل اخلاقی و تربیتی، چندان کارساز نیست و گاهی تأثیرگذاری در خوانندگان بیان غیرمستقیم مفاهیم است» (حکیمی و کاموس ۱۳۸۲: ۳۶۱). درست است که شعر «بعنوان بخشی از ادبیات، از مهمترین ابزارهای تقویت مفاهیم و آموزه‌های دینی در کودک و نوجوان است که علاوه بر پاسخدهی به پرسشهای دینی کودک، با روشی غیرمستقیم، مفاهیم معنوی را به او آموزش میدهد» (محمدی، ۱۳۸۹: ۵۷)، اما شاعران کودک توانسته‌اند در اشعارشان، آموزه‌های دینی را بطور غیرمستقیم (چیستان، داستان، گفتگو و...) به کودکان آموزش دهند؛ حتی هنگامی که به معرفی اشیا با هدف خدانشناسی میپردازند، آنها را از دید و منطق ذهنی کودکان معرفی میکنند. قالبهای دعا، گفتگو، پرسش و پاسخ، معما و چیستان، قصه، خاطره‌گویی و... از روشهای انتقال و آموزش مفاهیم مذهبی-دینی به کودکان هستند. در قالب دعا میتوان به کودک آموخت که هم خواسته‌هایش را از خدا بخواهد و هم به کوچکی و بزرگی خواسته‌هایش توجهی نکند. برای مطرح کردن دعا برای کودکان، شاعران کودک روشهای مختلفی را در پیش گرفته‌اند: دعا از زبان حیوانات و اشیا بیجان و نیایشنامه‌هایی با زبان و حال و هوای کودکانه که در آن برخی آموزه‌های اعتقادی به کودک منتقل میشود: «اینجا و اونجا، همه جا/ تو بچه‌هایی مثل ما/ بچه‌هایی آب و غذا ندارن/ خیلی چیزا ندارن/ خانه گرم و رختخواب ندارن/ جایی برای خورد و خواب ندارن/ خدای من کمک کن/ به فکر اونها هم باشم همیشه/ هرچی دارم با اونها قسمت کنم/ اینجوری بهتر میشه» (رحماندوست، ۱۳۸۸: ۹).

گفتگو که از آن در قرآن بسیار استفاده شده است، یکی دیگر از روشهای انتقال آموزه‌های اعتقادی به کودکان در اشعار است. گفتگو بین کودک و والدین، گفتگو بین دوستان، گفتگوی شاعر با کودک (مخاطب) از انواع این شیوه است. «اولی گفت: وقت نمازه بچه‌ها، وقت دعا/ دومی گفت: برای چی؟ چرا نماز؟ چرا دعا؟/ چهارمی گفت: خدای مهربونی که/ دست و دهان و چشم و پا داده به ما/ انگشت شصت خم شده و سجده کرد و گفت/ خدایا دوستت دارم/ تو خیلی مهربانی/ ما بچه‌ها مثل گلیم/ تو مثل باغبانی» (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۸).

شیوه پرسش و پاسخ نیز روشی قرآنی و در شکل روایی است که با کاربردی درست آن میتوان به انتقال آموزه‌های اعتقادی به کودکان دست یافت: «کدام دست باهنر، کشیده این ستارگان؟/ کشیده است و میکشد/ ستارگان بر آسمان» (شعبانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

گاهی شاعران با طرح چیستانهای کودکانه، برخی آموزه‌های دینی را به کودکان منتقل کرده‌اند. بعنوان مثال رحماندوست در شعر «خدای مهربان»، بی آنکه نامی از خدا ببرد، بصورت چیستان از وی یاد میکند: «اون کیه که بهارو آفریده/ هر چیزی، حتی ما رو آفریده/ حرف ما رو گوش میکنه/ گوش و دهان نداره/ حرف میزنه، جواب میده/ ولی زبان نداره» (رحماندوست، ۱۳۹۱: ج ۲: ۶).

برخی شاعران نیز قالب داستانگویی را برای آموزش مفاهیم دینی در اشعار خود انتخاب میکنند و عموماً داستانهای دینی و قرآنی را به شکلی جذاب به مخاطبان انتقال میدهند، مانند داستان ذیل از رحماندوست که به قصد معرفی پیامبر (ص) و معصومین و صفت دستگیری از فقرا در قالب شعر بیان شده است: «علی بود و همراز او فاطمه/ و در

پیش آنها سه فرزندشان/ همه روزه بودند و در انتظار/ که روید گل نازنین اذان/ همه روزه بودند و افطار شد/ و یک سفره ساده روی زمین.../ فقیری به در زد کسی خانه نیست؟/ من بینوا را کمی نان دهید.../ غذا را علی برد تا پشت در/ نباید گرسنه بماند فقیر.../ همه روزه بودند و افطارشان/ بجز مهربانی، فقط آب بود» (رحماندوست، ۱۳۸۵: ۵۶). یا داستان ذیل از جعفر ابراهیمی به قصد معرفی مهربان بودن خداوند: «روزی محمد (ص) توی مسجد/ با دوستانش داشت خلوت/ آمد گدایی پیر از راه/ درمانده بود از درد غربت.../ رو بر گدا کرد و سپس گفت/ پروردگارت مهربان است/ چیزی بخواه از او که بهتر/ از جا و یار و آب و نان است» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۶).

گاهی داستانها به زبان حیوانات بیان میشود تا مطالب دینی به صورتی جذابتر به کودک و نوجوان منتقل شود: «پر شد درون سینه او/ از یاد شیرین خداوند/ سر را بسوی آسمان برد/ شکر خدا را کرد و آنگاه/ یک جرعه دیگر از آن خورد/ یک بار دیگر شادمانه/ سر را بسوی کوزه آورد/ هنگام آشامیدن آب/ گویی خدا را شکر میکرد» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۹).

برخی شاعران نیز با ذکر خاطراتی از اعمال عبادی خویش، سعی در آشنا ساختن کودکان با این مفاهیم و عبادات دارند؛ بعنوان مثال ابراهیمی با شیوه خاطره‌گویی، کودکان را با این مفاهیم آشنا کرده است: «فل‌قل گرم سماور در اتاق/ میبرد من را به عصر کوزه‌ها/ میبرد تا لحظه افطارها/ میبرد من را به ماه روزه‌ها/ لحظه افطار وقتی میرسید/ سفره پر میشد ز عطر کال یاس/ لحظه‌ای احساس میکردم که من/ نور دارم بر تنم جای لباس/ سبز میشد با پدر، باغ دعا/ نرم میخواند از کتابی آشنا/ فطیر تازه، مادر میرسید/ دستهایش داشت بوی رینا» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۱۷).

خداشناسی و شیوه‌های انتقال آن در اشعار کودک

از جمله بنمایه‌های آموزه‌های دینی در اشعار کودک، سخن گفتن از خداوند و یادکرد او در همه حال و همچنین پرداختن به ذکر اوصاف پروردگار است؛ زیرا خداجویی مهمترین و اساسیترین حس غریزی انسان در کودک و نوجوان است (حکیمی و کاووس، ۱۳۸۲: ۴۰)؛ اما بر اساس رشد شناختی کودک، مفهوم خدا وابسته به سن و ظرفیتهای ذهن کودک است؛ به این ترتیب که خدای کودک در ابتدا، عینی است و با گرایشهایی نظیر جاندار پنداری، ساخته پنداری و انسان پنداری درک میشود و بتدریج به یک مفهوم انتزاعی تبدیل میشود (اسکندری، ۱۳۷۳: ۸؛ رسولزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳؛ صهبا و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲۷-۱۲۸). شاعران با رعایت این نکات، از روشهای ذیل برای تبیین مفهوم خداوند برای کودکان استفاده کرده‌اند.

ذکر آفریده‌ها، پدیده‌های هستی و طبیعت: اولین شناختی که کودک میتواند از خداوند به دست آورد، از طریق شناخت آفریده‌های اوست؛ بنابراین شاعران با معرفی آفریده‌های خداوند، سعی در شناخت کودک از خداوند مینمایند اما از آنجا که کودکان در سنین کمتر، قادر به درک مفاهیم انتزاعی نیستند و اغلب با طبیعت سازگاری بیشتری دارند، شاعران برای شناساندن خدا، از مفاهیم طبیعت‌گرایانه بهره میجویند. «علت استفاده از مضامین طبیعت برای پاسخگویی به پرسشهای هستی‌شناسانه کودک، رابطه عاطفی کودک و طبیعت است. کودک هرچه خردسالتر باشد، انتزاع در زندگی او کمتر جای دارد و فقط میتواند آنچه را که با حواس پنجگانه خود حس میکند درک نماید؛ لذا برای القای مفاهیم انتزاعی و معنوی از دنیای پیرامون کودک (طبیعت) کمک گرفته میشود» (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۸۶). بنابراین شاعران با استفاده از مظاهر طبیعت، چه بصورت نمادین و چه واقع‌گرا، به معرفی خداوند میپردازند و برای افزودن حس معنویت و این معنا که خالق طبیعت و هر آنچه در آن است خداست، از عناصر طبیعت بهره میبرند و با

نسبت دادن زیباییهای طبیعت به خداوند، در پی شناخت خداوند توسط کودک هستند: «هر چیز این دنیای زیبا، شعر خداوند بزرگ است/ شعری که هر مصراع و بیتش، مانند یک پند بزرگ است.../ شعر خدا را میتوان خواند در شاخه و برگ درختان/ در فصل گرما و بهاران، در فصل پاییز و زمستان» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸).

برخلاف شعر بزرگسالان که اغلب در آن سخن از نکوهش دنیا می‌رود، در شعر کودک زیباییهای جهان ذکر میشود؛ طبیعت، نشانه قدرت و رحمت الهی معرفی میشود و کودک به تأمل در مظاهر زیبای جهان دعوت میشود. تأمل در مظاهر هستی سبب میشود که کودک، طبیعت را در پرستش الهی ببیند و به او این امکان را میدهد که به لطف فراگیر الهی آگاهی یابد و خداوند را در همه مظاهر زندگی خود ببیند و او را تکیه‌گاه خود قرار دهد؛ علاوه سبب احساس شگفتی و حیرت شده و همین عاملی برای شناخت عظمت خداوند میشود: «سعدی شیرین سخن/ گفت به فصل بهار:/ «برگ درختان سبز/ با خطِ رخشان سبز/ «هر ورقش دفتر است/ معرفت کردگار/ دیدن این عالم است/ زنده بیدار باش/ چشم خریدار باش/ خوب، جهان را بین/ هرچه بینی کم است/ بر ورق سبز برگ/ خط خدا را بخوان/ زمزمه آفتاب/ نغمه شیرین آب/ نثر دل‌انگیز خاک/ شعر هوا را بخوان/ «برگ درختان سبز/ در نظر هوشیار» آینه رازهاست/ جلوه روی خداست/ «هر ورقش دفتر است/ معرفت کردگار» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۷۸-۱۷۹).

گاه با توجه به قوه تخیل کودک، با زبانی ساده، عناصر طبیعت را در کالبد صورت خیالی تشخیص، روح و جان انسانی می‌بخشند: «تا نام تو را از کوه پرسیدم/ او با نگاه باشکوهش/ سر را به سوی آسمان برد» (ابراهیمی، ۱۳۷۴ الف: ۲۰).

خداشناسی از طریق مظاهر طبیعت، به مفهوم عرفانی آن یعنی تجلی خداوند در همه پدیده‌ها نزدیک است و «تمایز سفر کثرت به وحدت و وحدت به کثرت در فعلی هستی‌مدارانه است» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۰۹) و باعث میشود کودک در همه هستی نشانی از تجلی خداوند را مشاهده کند و با وجود پراکندگی ظاهری، نوعی وحدت را در همه موجودات درک کند: «او را ببین در ابر و باران/ او را ببین در دشت و در کوه/ او را ببین با چشم‌هایت/ در جنگل سرسبز و انبوه» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳).

ذکر نعمتهای خداوند و شکر و ستایش او: دومین عامل مهم در شناخت خداوند توسط کودک، دیدن نعمتهای اوست. در این مضمون شاعران با استفاده از معرفی نعمتهای خداوند، سعی در شناخت کودک از خداوند مینمایند. شاعران انواع نعمتهای خداوند را با زبان و تصاویری کودکانه متذکر میشوند تا مخاطبان، ضمن شناخت و ستایش خداوند، عشق و محبت الهی را نیز در دل خود جای دهند. عناصر طبیعت و اندام جسمانی بیشترین بسامد را در ذکر نعمتهای الهی در اشعار کودک دارند: «کی به ما چشم داده و گوش داده/ خدا خدا/ کی به ما عقل داده، هوش داده؟/ خدا خدا/ کی به ما دهان و دست و پا داده؟/ خدا خدا» (شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۷۷).

شاعران سعی دارند با یادآوری نعمتهایی که برای کودک و ذهنیت ابتدایی او قابل فهم و درک باشد، خداوند متعال و قدرت لایزال او را به کودک یادآوری کنند و به او بقبولانند که هیچ قدرتی بزرگتر از خداوند نیست و اوست که به پاس همه نعمتهایش قابل ستایش است: «دانه به دانه، بادام/ خوشه به خوشه، گندم/ به که چه هدیه‌هایی/ داده خدا به مردم» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۲: ۴).

در شعر کودک و نوجوان، آموزش شکر و ستایش و پرستش خداوند، بعنوان یکی از ارکان اصلی مفاهیم دینی و قرآنی از اهمیت فراوانی برخوردار است، اما با توجه به مقتضیات سنی کودکان، زبان حمد و عبادت در زبان و شعر کودک نسبت به بزرگسالان متفاوت است. شاعران کودک در این نوع اشعار قصد دارند هنر سپاس و شکرگزاری از خداوند را به پاس نعمتهای فراوانش، با زبانی ساده و روشی غیرمستقیم، به مخاطب آموزش دهند. در واقع این اشعار وظیفه انسان

در قبال آفریننده را بازگو میکنند: «گویم خدا یا در جهانت/ از تندرستی چیست بهتر؟! از داده‌های بیکرانت/ چیزی از این یک نیست بهتر! با تندرستی زندگی هست/ با زندگی امید و شادی/ آن را نخواهم داد از دست/ صد شکر این نعمت که دادی» (همان: ۷۵).

شکر و ستایش در اشعار کودک، عمدتاً بخاطر نعمتها و تواناییهای جسمی صورت میگیرد: «با دست و پا، در همه جا / شکر میکنم، شکر خدا (شعبانی، ۱۳۸۸: ۹)؛ «من یک سبد برداشتم/ پر کردم از آن میوه‌ها/ گفتم خدایا باز هم/ من میکنم شکر تو را (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۰: ۱۲)؛ «هر زنده‌ای بیابد از آب زندگانی/ این نعمت خدا را/ کی شکر میتوانی» (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۳۷).

در اشعار کودک، علاوه بر انسان، سایر موجودات نظیر حیوانات نیز میتوانند به شیوه‌ای شکر خداوند را به جا بیاورند. در واقع شاعران سعی میکنند با بیان این نکته، به کودک بیاموزند تسبیح موجودات، همان شکرگزاری از درگاه خداوند است. مانند شکرگزاری کلاغ در این شعر از ابراهیمی: «پر شد درون سینۀ او/ از یاد شیرین خداوند/ سر را بسوی آسمان برد/ شکر خدا را کرد و آنگاه/ یک جرعه دیگر از آن خورد/ یک بار دیگر شادمانه/ سر را بسوی کوزه آورد/ هنگام آشامیدن آب/ گویی خدا را شکر میکرد» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۹).

ذکر صفات خداوند: در اشعار کودک، صفاتی که برای خداوند ذکر شده است، همگی صفات جمالی است. صفاتی که با روحیه لطیف و طبیعت مهربان کودکان مناسبت دارد مانند مهربان بودن، بزرگ بودن، خالق بودن، و بخشنده بودن و از صفات جلالی خداوند از قبیل قهار و جبار سخنی به میان نیامده است. پربسامدترین صفت برای خداوند، «مهربان بودن» است که با اشاره به مهربانی پدر و مادر برای کودک صورت میگیرد تا بصورت غیرمستقیم، کودک مفهوم مهربانی خداوند را درک کند. «برای تبیین صفات خداوند، یکی از شیوه‌های شاعران کودک، اشاره کردن به افراد مهربانی چون پدر و مادر است و از این طریق در کنار آنها از مهربانی خداوند نیز یاد میکنند تا بواسطه آشنایی کودک با محبت والدین مهربانی خداوند نیز به گونه‌ای غیرمستقیم برای کودک محسوس گردد» (صهبا و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۶). «مهربانتر از مادر/ مهربانتر از بابا/ مهربانتر از آبی/ با تمام ماهیها/ مهربانتر از ابری/ با گیاه، با دانه/ مهربانتر از خورشید/ با گل و زمینی تو/ تو خدایا، خدا هستی/ مهربانترینی تو» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۳). «مادرم، پس تو با من همیشه/ باش و همچون خدا مهربان باش». (کیانوش: ۱۳۷۰: ۱۳۴). «ای مادر... مهر تو مهر آدمی نیست/ مهری است چون مهر خدایی» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۷۲).

دومین صفت پربسامد، بزرگ بودن خداوند است، اما از آنجا که درک صفت بزرگ بودن خداوند برای کودک دشوار است، شاعران با توصیف مظاهر بزرگ و با عظمت هستی مانند کوه و دریا و آسمان بطور غیرمستقیم، علاوه بر اشاره به بزرگ بودن خداوند، به کودک میفهمانند خداوند از همه چیز بزرگتر است: «خدایا اینهمه زیبایی از توست/ سرود خاک و سنگ و آب از توست/ زمین و آسمان و کوه و دریا/ گل خورشید، شب مهتاب از توست...» (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۷۰۳).

دعا و مناجات: خودمحموری یا خودمرکزگرایی، از ویژگیهای کودک - خصوصاً در مرحله پیش‌عملیاتی (از دو تا هفت‌سالگی) - است. (موسی‌پور و طالبیان، ۱۳۸۰: ۱۲۱ و ۱۲۲)؛ بنابراین یکی از عناصر تربیت دینی، آموزش دعا به کودکان است که آنان را از مرحله خویش‌بینی به مرحله دیگربینی و دیگرخواهی سوق میدهد. در تمامی اشعاری که برای این گروه سنی سروده شده است، شاعران بدنبال آموزش نیایش و دعا به کودک از طریق یادآوری نعمتها و نحوه صحیح دعا نمودن میباشد: «خدا جونم دلم میخواد/ مثل مامان دعا کنم/ یواش با تو حرف بزنم/ اسم تو رو صدا کنم/ بگم خدا، خدا، خدا، خدا/ دلم به کفش نو میخواد/ از اون که رنگش آبی بود/ خوشم میاد خیلی

زیاد/ میخوام بابام زود بخره/ کفشای آبی رو برام/ بین من و خودت باشه/ که من چی گفتم، چی میخوام» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶).

کودک از حدود هفت‌سالگی شروع به برقراری ارتباط عاطفی با خداوند میکند، اما از آنجا که در مرحله عملیات عینی قرار دارد و «به واقعیت فیزیکی بیواسطه وابسته است و نمیتواند از زمان حال تجاوز کند، هنوز در تجسم موقعیتهای دور، آینده یا فرضی مشکل دارد» (وندن زدن، ۱۳۸۳: ۱۲۶)؛ بنابراین دعاهای او در این سن به زمان حال و مادیات محدود میشود و در دعای خود، درخواستهای مادی از قبیل خوردنی و اسباب‌بازی را مطرح میسازد. بتدریج با افزایش سن کودک، خواسته‌هایش از جنبه مادی بسمت معنوی سوق داده میشود: «خدا/ خدای مهربون/ که هستی توی آسمون/ بابام میگه هر جا باشی/ گوش میکنی به حرفامون/ میخوام با تو حرف بزیم/ صدام میاد تا اون بالا؟/ مامان من مریض شده/ خویش بکن همین حالا» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۱).

در اکثر این اشعار خواسته‌ها بصورت ساده مطرح میشوند و همگی اعم از مادی و معنوی، جنبه خیر دارند و به دور از تقاضاهای مذموم هستند: «دستامونو میبریم بالا/ با هم دیگه میکنیم دعا/ عمر زیاد بده خدا/ هم به مامان، هم به بابا/ خدا ماها رو دوست داره/ دعامونو قبول داره/ چشم میندازم به آسمون/ میگم خدای مهربون/ غصه رو از ما بردار/ تا انقلاب مهدی (عج)/ این نهضتو نگه دار» (قاسم‌نیا، ۱۳۶۸: ۴).

این ستایشها و مناجات، برخاسته از فطرت پاک کودکان است و علاوه بر اینکه «کلام عادی را به کلامی عاطفه‌محور تبدیل میکند» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۱۰)، از آنجا که سوز و گداز خاصی در آنها وجود دارد، نوعی حس خضوع و خشوع نسبت به پروردگار نیز در کودک ایجاد میشود: «اینجا و اونجا، همه جا/ تو بچه‌هایی مثل ما/ بچه‌هایی آب و غذا ندارن/ خیلی چیزها ندارن/ خانه گرم و رختخواب ندارن/ جای برای خورد و خواب ندارن/ خدای من کمک کن/ به فکر اوناها هم باشم همیشه/ هر چی دارم با اونها قسمت کنم/ اینجوری بهتر میشه» (رحماندوست، ۱۳۸۸: ۹).

در برخی اشعار در کنار دعاهای معنوی، صفات خداوند نیز ذکر میشود تا کودکان با در نظر گرفتن این صفات، از او یاری بخواهند: «پروردگارا بخشنده پاک/ سازنده جان از گوهر خاک/ ما را نیرومند در جان و تن کن/ دل‌های ما را شاد و روشن کن/ از راز خوبی داناییمان بخش/ در تاریکیها بیناییمان بخش/ نامت میدانم هر بدبختی را/ آسان میدارد بر ما سختی را / دور از یاد تو سرگردان هستیم/ با درد بسیار بی‌درمان هستیم/ در انسان بودن یاری کن ما را / از مهر و پاکی پر کن دنیا را» (کیانوش، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹).

گاه خواهشها و درخواستها از طرف موجودی جز انسان مطرح میشود: «خدای من کمک کن/ یه تخت خواب خوب و راحت باشم/ جایی برای استراحت باشم» (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۵). «گنجشکه میگه: جیک، جیک، کمک، کمک، خدا جون!..» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۳).

احکام، اعمال و عبادات دینی (نماز، اذان، مسجد، حجاب، حج، روزه و...): گروه دیگری از اشعار دینی مربوط به احکام و عبادات دینی مانند نماز، مسجد، اذان، روزه، حج و... است. در این میان، موضوع نماز بیشتر مورد توجه شاعران قرار گرفته است. شاعران در آموزش این مفهوم نیز از طبیعت کمک میگیرند و طبیعت و اجزای آن را در حال نماز میبینند: «هر چیز در حال نماز است/ از این جهت، گل خوب و خوشبوست» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳). حتی در نگاه شاعران، صدای خروس نیز همان صدای اذان است: «قوقولی سر میدهد / قوقولی قوهای او / خواب را پر میدهد / با صدای او، پدر / میبرد از خواب ناز / میرود سوی حیاط / باز میخواند نماز/ این خروس مهربان/ دوست زیبای ماست/ مادرم میگوید/ او ساعت بابای ماست» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۴) و «دیدم خروسی خواند قوقوقولی قوقو/ پر کرد خوابم را بانگ اذان او» (رحماندوست، ۱۳۸۵: ۲۲). «قوقولی صبح آمده/ رسیده وقت نماز/

صبح زود، خروسخوان / قوقولی قو دادن اذان» (رحماندوست، ۱۳۸۹: ۱۰). البته در برخی اشعار هر سه مضمون نماز و اذان و مسجد در کنار هم و برای تشویق کودکان به نماز جماعت در مساجد، دیده میشود: «روی گلدسته‌های مسجد ما / باز گلبانگ عشق میروید / گل خوشبو و روحبخش اذان / این سخن را دوباره میگوید: / بشتابید وقت میگذرد / وقت رازونیا آمده است / بشتابید و رستگار شوید / وقت خوب نماز آمده است...» (رحماندوست، ۱۳۷۷: ۲۸).

شاعران با تشویق کودکان به نماز خواندن در مسجد، مزایای این کار را هم گوشزد میکنند، اما این دعوت بطور غیرمستقیم و بدون اجبار صورت میگیرد: «وقتی اذان مغرب / پیچید در خیابان / در من شکفت باغی / باغی به نام قرآن / رفتم وضو گرفتم / در حوض توی مسجد / شد سینه‌ام پر از گل / از رنگ و بوی مسجد / باغی ز سبزه و گل / در چشم خود نشاندم / من در صف جماعت / رفتم نماز خواندم / وقتی به خانه رسیدم / دیدم که مثل یاسم / بوی گلاب میداد / هم دست و هم لباسم» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ب: ۴).

در اینگونه اشعار، شاعران سعی دارند با بیان تجربه‌های عبادی والدین و خود، در شکل خاطره‌گویی، کودکان را با این امور آشنا کنند: «سبز میشد با پدر، باغ دعا / نرم میخواند از کتابی آشنا / با فطیر تازه، مادر میرسید / دستهایش داشت بوی ربنا» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۶).

در اشعاری اندک نیز به روزه و حج نیز اشاره شده است: «به چه صفایی داره / سفره وقت افطار / روزه تو و ابکن با / حرفهای خوب و خنده» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۲). در این اشعار، عامل تشویق کودک به انجام این فریضه دینی بدرستی رعایت شده است: «چون روزه بوده‌ام / بسیار شادمانم / بر سفره خداوند / امروز میهمانم» (رحماندوست، ۱۳۶۹: ۲۲). در برخی از اشعار نیز، شاعران با روش خاطره‌گویی، کودکان را با این اعمال آشنا میسازند: «دست بام کوزه بود / یادش نبود روزه بود / نشسته بود یه گوشه / میخواست که آب بنوشه / گفتم بابا به افطار / چیزی نمونه انگار / بابا جونم تا شنید / زد زیر خنده، خندید» (شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۷۶). «عموی مهربون من / از سفر حج اومده / بوی گل و گلاب میده / موی سرش رو هم زده / رفته خونه خدا / راستی که خوش به حال او / یادم باشه که بعد از این / صدایش کنم حاجی عمو» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۸: ۹).

کودکان نسبت به چگونگی معاد خالی‌الذهن هستند؛ بنابراین شاعران کودک برای ملموس کردن مفهوم معاد، با استفاده از مظاهر طبیعت و با کمک تمثیل این مفهوم را برای کودک عینی میسازند. بعنوان مثال رحماندوست با استفاده از چرخه حیات در طبیعت، به تبیین مسئله معاد و زندگی پس از مرگ برای کودکان میپردازد: «مرگ بوته هرگز نیست / عمر بوته را پایان / مثل آن پس از مردن / زنده میشود انسان / مثل بوته بعد از مرگ / عمر بهتری داریم / در بهار رستاخیز / رشد دیگری داریم» (رحماندوست، ۱۳۸۰).

یا ابراهیمی با اشاره به دگرگونیهای طبیعت در فصول مختلف، به طور غیرمستقیم، معاد را در ذهن کودک مجسم میسازد: «باز هم باغ سرسبز میشود و ابرهای سرد میروند و آسمان باز آبی میشود / میشود تکرار باز آن فصلها / هر کدامش، درسی از سوی خداست / باغ را در فصلها اندیشه کن / در درخت سیب هم بوی خداست!» (ابراهیمی، ۱۳۷۳: ۲۳).

قرآن و مضامین قرآنی: از جمله موضوعات دینی که در اشعار کودک به آن پرداخته شده است، قرآن است. شاعران کودک با ذکر این مضمون سعی دارند کودکان را به ارزش این کتاب آسمانی، آگاه سازند. اقتباس از قرآن در بین شاعران کودک به دو شکل دیده میشود:

الف- به شکل مستقیم و به کارگیری الفاظ قرآنی: در این شیوه، شاعران با استناد به آیات قرآن، علاوه بر آشناسازی فضای ذهنی کودک با کلام خداوند و بیان تأثیرگذاری قرآن در کلام خویش، درحقیقت در پی شاهد آوردن برای

اشعارشان هستند و به همین دلیل آیات قرآن را بعنوان سندی برای کلام خویش ذکر میکنند: «در دامن چشمه چشمم افتاد به رود/ لا حول و لا قوه الا بالله» (رحماندوست، ۱۳۶۹: ۳۸).

گاهی شاعران به ترجمه یک سوره میپردازند، ترجمه‌ای آزاد که از نوع اشعار کوششی و حاوی تلمیح است بعنوان نمونه، ابراهیمی با اقتباس از سوره حمد، اینگونه اوج هنر شاعری خویش را به نمایش گذاشته است: «خدایا تو را دوست دارم/ خدایا تو را میپرستم! و هر لحظه هر جا که باشم/ همیشه به یاد تو هستم/ تو را دوست دارم خدایا/ برای خودت، آری، آری/ نمیخواهم از هیچکس من/ خدایا به غیر از تو یاری/ خدایا مرا کن هدایت/ به راه کسی که بهشتی است/ مرا دور کن از بدیها/ و دورم کن از هرچه زشتی است/ تویی صاحب آسمانها/ تو که خالق این جهانی/ تو خوبی و خیلی بزرگی/ تو بخشنده و مهربانی/ در آغاز هر چیز و هر کار/ خدایا به یاد تو هستم/ و هر صبح و هر ظهر و هر شب/ خدایا تو را میپرستم» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴-۵).

از خلاقیت‌های شاعرانه دیگری که ابراهیمی در سروده‌های کودکانه خود به کار برده، آموزش حرکات قرآن است تا از این طریق، کودک را با خوانش مفردات قرآنی آشنا سازد: «ما حرکات قرآنی هستیم/ حرکت‌های آسمانی هستیم/ ما هستیم با هم، یک خانواده/ قرآن خواندن را می‌کنیم ساده/ حرکتها را اگر بدانی/ میتوانی تو، قرآن بخوانی/ من فتحه هستم/ شکلم چنین است: - روی حروفم/ کارم همین است/ من کسره هستم/ شکلم چنین است- زیر حروفم/ کارم همین است...» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۹-۱۸).

ب- بصورت غیرمستقیم: که در آن بصورت معماوار به قرآن و آیات آن اشاره میشود: «یک باغ بزرگ میشناسم/ باغی که در آن بهار پیدا است/ سی شاپرک قشنگ، در باغ/ بر سبزه و سبزه‌زار پیدا است/ هر گوشه و هر کنار این باغ/ سرشار از عطر شادمانی است/ گل‌های محمدی در این باغ/ گل‌های بهشت آسمانی است/ این باغ بزرگ، باغ شادی است/ روییده در آن، نهال لبخند/ هر برگ و گل و درخت آن هست/ سرشار از آیه خداوند/ این باغ بزرگ، هدیه دارد/ از خوبی و عشق و مهر و ایمان/ این باغ بزرگ، مهربان است/ این باغ بزرگ، هست قرآن» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۸).

معرفی و یادکرد بزرگان دین و معصومین، کربلا، شهادت و انتظار: از دیگر بنمایه‌های دینی در شعر کودک، اشعاری در شأن و منزلت پیامبر و امامان (ع) است. کودکان دوست دارند درباره سرگذشت بزرگان دین اطلاع حاصل کنند و از این طریق با شخصیت آنان و نیز آداب و رسوم دینی آشنا شوند. از این رو برخی شاعران کودک به معرفی بزرگان دینی میپردازند. تعداد این نوع اشعار در مقایسه با دیگر موضوعات دینی، کم است و حتی شاعرانی که به این موضوع پرداخته‌اند نیز اندک شمارند؛ ابراهیمی بیش از دیگر شاعران مورد مطالعه به معرفی ائمه اطهار پرداخته است. او در اشعار بانوی بهشت، ذکر خوش قرآن، غریب کوجه‌های شب، آسمان حق، خورشید شهادت، باغ نماز، پنجمین برگ امامت، مذهب جعفری، نماز با زنجیر، مهمان خراسان، امید مؤمنان، شعر آزادی، نوبهار دل ما، انتظار، بوی سیب و.. به این موضوع پرداخته است (۲۶ مورد).

این نوع اشعار عموماً در دو شکل مدح و مرثیه سروده شده است. در شکل اول به مناسبت تولد شخصیت‌های دینی یا مبعوث شدن و به امامت رسیدن آنها سروده شده که لحنی شاد دارد. در این نوع اشعار کودک بدون اینکه شخصیت دینی مورد نظر را بخوبی شناخته باشد، تنها شنونده ستایش از آنهاست: «بوی گل، بوی گلاب/ میرسد از همه جا/ غرق نور است و طلا/ گنبد زرد رضا/ مثل یک خورشید است/ میدرخشد از دور/ شده از این خورشید/ شهر مشهد پر نور/ چشم ما خیره به آن/ قلب ما غرق دعا است/ بر لب پیر و جوان/ یا رضا رضا رضاست» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۷).

در شکل دوم که در موضوع سوگ و مرثیه بزرگان دینی است، با حال و هوایی غمگین ارائه میشود: «صدای گریه می‌آید ز هر سو/ بهاری بود و رفت از این جهان او/ همه با بغض میگویند امشب/ علی کو؟ وای علی کو؟ وای علی کو؟» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۷۰: ۴۹).

از منظر شخصیت‌های دینی نیز پیامبر و امام علی (ع) بیشتر مورد معرفی قرار گرفته‌اند. در معرفی شخصیت‌های دینی، شاعران سعی کرده‌اند بر ویژگی‌های دینی و شخصیتی شاخص این بزرگواران تأکید کنند، بعنوان مثال در معرفی حضرت علی (ع) خصوصیات یتیم‌نوازی: «کودکان را یک/یک/ نان و خرما بخشید» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳۸)، «او بود که میبرد/ نان پیش یتیمان» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۲)، «باز هم مانند هر شب سفره را/ تو پر از نان و پر از خرما کنی» (شعبان‌نژاد ۱۳۷۸: ۲۱۲)، یاور پیامبر بودن (ص): «او یار محمد/ او یار خدا بود» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۲)، تنهایی: «باز در چاه گریست/ باز هم آه کشید» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳۸)، یاری خواستن از او: «گفتم علی! از جای خود برخاستم/ از او مدد/ در راه حق خواستم» (قاسم‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۶) و... مورد تأکید قرار گرفته است.

اشاره به کربلا خصوصاً پس از انقلاب اسلامی و به‌منظور همانندسازی آن با دفاع مقدس، توسط شاعران کودک به خدمت گرفته شد. صادق‌زاده و زارع بیدکی، رحماندوست را «تنها چهره موفق در این زمینه» میدانند و «توصیف‌های ساده و بکر، شگرد روایی، خارج نشدن از قلمرو زبان کودک و نوجوان و زبان ساده و صمیمی» را از عوامل موفقیت او در این موضوع میدانند (صادق‌زاده و زارع بیدکی، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹). موضوع عاشورا بقدری در نظر او اهمیت دارد که آن را به شکل لالایی سروده است: «گل پرپر، حسینم کو/ گل سرخ و گل شب‌بو/ کنار رود و لب تشنه/ تمام غنچه‌های او/ لالالالا، غنچه‌ام لالا/ لالا، لالا گل فردا/ حسین و اکبرم لالا/ علی‌اصغرم لالا/ کجایی عمه‌جان، زینب/ سکینه دخترم لالا/ لالا لال، لالا، لالا، گل لاله/ نکن گریه، نکن ناله» (رحماندوست، ۱۳۷۷: ۳۹).

نکته مهم در بررسی این موضوع شعری، وجود لحن حماسی است که تقریباً در دیگر موضوعات دینی شعر کودک بیسابقه است، شاعران کودک در توصیف حماسه کربلا، با وجود فضای غمناک، از زبانی حماسی برای توصیف بهره گرفته‌اند: «ناگهان عباس، شعر ناب شد/ قطره‌های خون او مهتاب شد/ باز فصل خون مهتاب آمده/ باز هم عباس بی‌آب آمده.../ باز دشت کربلا بی‌آب شد/ رود از بیحاصلی بیتاب شد/ روز رفت و بار دیگر شب رسید/ موقع تنهایی زینب رسید/ کربلا پر شد از آه و ناله‌ها/ در کنار خون سرخ لاله‌ها» (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۲-۲۷).

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی، توجه شاعران کودک به موضوع شهادت بعنوان یکی از مضامین دینی شعر کودک، بیشتر شد و شاعران ادبیات کودک سعی کردند در تصویرگری دفاع مقدس خصوصاً مضمون شهادت برای کودکان، از موجزترین و کوتاهترین و در عین حال رساترین و صریحترین زبان استفاده کنند. این موضوع بصورت اشعاری واقعگرا مطرح شده و از نظر عناصر زیباشناسی بویژه عنصر خیال‌انگیزی پیچیده نیست؛ زیرا واقعیت‌های ملموس، عینی و درشتناک دوران انقلاب و جنگ از خیال شاعران پررنگتر بوده است و در اکثر اشعاری که محور آنها جنگ و شهادت است، شاعران بعنوان دفاع مقدس، به این مقوله نگاه میکنند و کمتر به جنبه منفی جنگ توجه دارند: «شهید پاک میهن/ حرف تو را شنیدم/ مثل پرنده‌ای شاد/ به سویت پر کشیدم» (ابراهیمی، ۱۳۷۵).

یکی از مهمترین اهداف اینگونه اشعار، زنده نگه داشتن یاد و خاطره مبارزانی بود که برای حفظ وطن و ارزشهای انقلاب اسلامی، سرافرازانه جنگیدند و تا پای جان پیش رفتند اما متأسفانه درصد زیادی از اشعار سروده شده برای کودکان در موضوع دفاع مقدس، سفارشی و کوششی بوده است. استفاده از تصاویر، توصیفات و تشبیهات کلیشه‌ای و تکراری مانند لاله و کبوتر از دیگر نقاط ضعف اینگونه اشعار است: «اسم این پسر مهدی است/ اسم خواهرش

زهراست/ در کنار آنها هم/ یک کبوتر زیباست/ لاله در دهان دارد/ آن کبوتر زیبا/ لاله در دهان او/ هست یادی از بابا.../ هست جای او خالی/ پیش مهدی و زهرا/ دارد آن کبوتر هم/ رنگ و بوی بابا را» (رحماندوست، ۱۳۷۴). در موضوع انتظار نیز، شاعر شاخص، جعفر ابراهیمی است. او در آثار «سبزپوش مهربان» و «تو بوی سیب میدهی» به توصیف امام زمان برای کودکان پرداخته است. او سعی دارد مفاهیم «انتظار»: «بیا که چشمهای ما/ بهار انتظار ماست/... در انتظار مانده‌است/ بسوی تو نگاهمان/ تمام انتظار ما/ تویی تو صاحب‌الزمان» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۲) و «زنده شدن دنیا با آمدن حضرت»: «اگر بیایی ای عزیز/ شکوفه باز میشود/ دل زمین و آسمان/ پر از نماز میشود» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۲) را با تشبیه حضرت به «گل» و «بهار» نمودار سازد: «میرسی با دامنی از سبزه‌ها/ میرسی ای گل‌فروش مهربان/ تا لباسی نو کنی بر جان خاک/ ای بهار، ای سبزپوش مهربان» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۲)، «در این جهان بی‌بهار/ تو نوبهار نرگسی/ تو اهل کوی عسگری/ تو یادگار نرگسی/ کجایی ای بهار من» (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۳۵).

نتیجه‌گیری

از جمله مضامینی که در شعر کودک به چشم می‌خورد، مضامین دینی است. کودکان از نظر تفکر مذهبی در سنین مختلف، دوره‌های مختلفی دارند و در هر مرحله از رشد، نوع نگرش و تفکر آنها در مورد مفاهیم دینی متفاوت است؛ بنابراین نیازمند به شیوه‌های متعددی برای انتقال مفاهیم دینی هستند. شاعران پس از انقلاب در انتقال مفاهیم دینی (با تأکید بر پنج شاعر برجسته شعر کودک و نوجوان: جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی و شکوه قاسم‌نیا) از روشهای غیرمستقیمی مانند دعا از زبان حیوانات، خاطره‌گویی، شیوه پرسش و پاسخ، گفتگو، چیستان، داستانهای دینی و داستان از زبان حیوانات استفاده کرده‌اند. جامعه آماری این تحقیق تمام اشعاری است که در مورد اشعار کودک توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه شصت و هفتاد چاپ شده است؛ بعلاوه برای کامل شدن تحقیق، برخی کتابها که توسط ناشران خصوصی چاپ شده‌اند نیز مورد مطالعه قرار گرفت و مجموعاً ۱۴۷۹ شعر بررسی شد که به نظر میرسد با توجه به تعداد و کمیت آن، بتوان در خصوص اندیشه دینی در شعر کودک، قابلیت استناد و اظهار نظر علمی داشته باشد. از مجموع اشعار مورد بررسی، تنها ۱۸/۶۶٪ (۲۷۶ شعر) آنها به موضوعات دینی مربوط بودند که با توجه به تقسیم‌بندی رشد تفکر مذهبی کودک به سه دوره شهودی (هفت تا هشت سالگی)، عینی (هشت تا چهارده سالگی) و انتزاعی (چهارده سالگی به بعد)، کم بودن اشعار مذهبی با موضوعات انتزاعی برای گروه‌های سنی زیر چهارده سال (گروه‌های الف، ب، ج و د) طبیعی و منطقی به نظر میرسد.

از ۲۷۶ شعر مورد بررسی، ۳۲ شعر مربوط به گروه سنی «الف»، ۹۵ شعر مربوط به گروه سنی «ب»، و ۱۴۹ شعر مربوط به گروه سنی «ج» و «د» است. به عبارت دیگر، نسبت اشعار مذهبی و دینی در گروه‌های سنی کودکان، بطور تصاعدی بالا رفته است، یعنی هرچه سن کودک بیشتر میشود، اشعار دینی بیشتری برای او سروده شده است.

گروه سنی	خداشناسی	دعا و مناجات	اعمال دینی	شخصیتهای دینی	مضامین قرآنی
الف	۲۱ مورد	۴ مورد	۲ مورد	۳ مورد	۲ مورد
ب	۵۷ مورد	۱۲ مورد	۱۴ مورد	۷ مورد	۵ مورد
ج و د	۸۲ مورد	۲۳ مورد	۱۸ مورد	۱۷ مورد	۹ مورد

از منظر بسامد موضوعات دینی، به ترتیب موضوعات خداشناسی، دعا و مناجات، اعمال دینی، شخصیت‌های دینی، و قرآن و مضامین قرآنی بیشترین فراوانی را دارا هستند. بیشترین بسامد مربوط به موضوع خداشناسی و کمترین آن مربوط به موضوع مضامین قرآنی است.

موضوع	خداشناسی	دعا و مناجات	اعمال دینی	شخصیت‌های دینی	مضامین قرآنی
درصد	٪۴۶	٪۱۹	٪۱۷	٪۱۲	٪۵

خداشناسی مهمترین موضوعی است که توجه شاعران مورد بررسی را در مضامین دینی به خود جلب کرده است. انتزاعی بودن این مفهوم از یک سو و درک غیرانتزاعی کودک (گروه‌های سنی مورد بررسی) از سوی دیگر باعث شده شاعران، این مفهوم را در ارتباط با پدیده‌های ملموس و عینی مخصوصاً آشناترین پدیده‌ها برای کودک، یعنی طبیعت و مادر آن هم به شکل خیلی کلی مطرح کنند. بعنوان نمونه، تمامی شاعران مورد بررسی، برای بیان مفهوم انتزاعی «بزرگی خداوند» از طبیعت بهره گرفته‌اند. به نظر میرسد اشعاری از این دست نمیتوانند نیاز کودک را برآورده سازند؛ زیرا فضای عمومی اکثر این اشعار شبیه و تکراری است، در حقیقت شاعران کودک و نوجوان در برخورد با مسائل مذهبی دچار نوعی نگاه کلیشه‌ای و شعاری شده‌اند و بیشتر از جنبه‌ای عاطفی و احساسی به این موضوعات پرداخته‌اند و در نتیجه کمکی به حل مشکلات کودکان و نوجوانان در این زمینه نشده و بسیاری از پرسشهای آنان بی‌پاسخ میماند.

رابطه انسان با خدا در اشعار کودک، در شکل دعا تجلی مییابد. دعاهای موجود در اشعار کودکان را میتوان به دو دسته دعاهای شخصی غیرمادی و دعاهای همگانی غیرمادی تقسیم کرد. در شکل نخست، کودکان به علت فطرت پاک خود، خواهان پاکی دل خود هستند و در شکل دوم کودک برای عموم انسانها دعا خیر میکند.

در موضوع اعمال و احکام دینی، بیشترین بسامد به موضوع نماز و کمترین آن به موضوع حج اختصاص دارد. شاعران در بیان مضامین اعمال عبادی نیز از طبیعت کمک میگیرند، بعنوان مثال، طبیعت و اجزای آن را در حال نماز میبیند و سعی میکنند با بیان تجربه‌های عبادی والدین و خود در شکل خاطره‌گویی، کودکان را با این امور آشنا کنند و به شکلی غیرمستقیم و بدون اجبار کودکان را به اعمال عبادی دعوت کنند.

درخصوص مضامین شخصیت‌های دینی، بیشترین نمونه‌ها در اشعار جعفر ابراهیمی دیده میشود، ابراهیمی در مجموعه «تو بوی سیب میدهی» در چهارده قطعه شعر به معرفی چهارده معصوم پرداخته است. وی سعی کرده نکات برجسته هریک از ائمه را با زبانی کودکانه به مخاطب منتقل کند، اما تنها به اطلاعات تاریخی اکتفا میکند و به ستایش این شخصیتها - بر مبنای یک حکایت تاریخی - اکتفا میکند؛ بدون اینکه تصویر درست و کاملی از آنان در ذهن کودکان ایجاد کرده باشد. شاعران دیگر نیز عمدتاً به توصیف پیامبر (ص) پرداخته‌اند و در اشعارشان بیشتر بر مهربانی و محبت پیامبر (ص) تأکید دارند.

مضامین قرآنی، بخشی از محتوای شعر کودک را تشکیل میدهد که بسامد زیادی در اشعار کودکانه جعفر ابراهیمی دارد. این مضامین با هدف القای آموزه‌های اسلامی، شناساندن بزرگان دین و آماده‌سازی کودک برای ایفای وظایف دینی استفاده میشود. شاعران با الهام از قرآن کریم سعی دارند کودک را با دین و اندیشه‌های دینی آشنا کند و از آنجا که مخاطب هنوز به مرحله تکامل ذهنی و درک مفاهیم انتزاعی نرسیده است و قادر به قضاوت‌های اخلاقی نیست، شاعران از قرآن متناسب

با شناخت و درک او بهره میگیرند. سیر مضامین قرآنی در شعر کودک، به گونه‌ای است که با رشد گروه‌های سنی، بهره‌گیری از این مضامین نیز بیشتر میشود و اغلب مضامینی به کار گرفته میشود که برای کودکان ملموس‌تر باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج استخراج شده است. آقای دکتر جلیل نظری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سارا وثوقیان‌منش بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدهادی خالق‌زاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ebrahimi, J'afar. (1994). How Merciful God is, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Ebrahimi, J'afar. (1995) Like Jasmine; Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Ebrahimi, J'afar. (1995). Butterfly in the Rain, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
- Ebrahimi, J'afar. (1996). Iran, Tehran: Islamic Propaganda Organization Art Center.
- Ebrahimi, J'afar. (1996). The Thirsty Crow, Smoke Print, Tehran, Children and Adolescents Intellectual Development Center.
- Ebrahimi, J'afar. (1998). Moonlight Blood Chapter, first edition, Tehran, Children and Adolescents Intellectual Development Center.
- Ebrahimi, J'afar. (2003). Mehraban Sabzpoosh, Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center.
- Ebrahimi, J'afar. (2003). The snake that made me a poet, Tehran: Qadyani.

- Ebrahimi, J'afar. (2003). *You Smell an Apple*, Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center.
- Ebrahimi, J'afar. (2007). *Secrets in the Wind*, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Ebrahimi, J'afar. (2009). *Simplify Sorrows*, First Edition, Tehran: Madrese.
- Ebrahimi, J'afar. (2010). *Repetition of your name*, Tehran: Iranian Pen Association.
- Ebrahimi, J'afar. (2012). *in the Green Garden of the Quran*, Tehran: Saberin.
- Eskandari, Hossein. (1994). "A study of the concept of God in children aged 4 to 12 years"; *Tarbiat Magazine*, No. 92; pp.6-9.
- Fazilat, Mahmoud. (2007). *Language and Literature for Children and Adolescents*, Kermanshah, Taq Bostan.
- Ghaffari, Sa'eed. (2000). *A Step in Children and Adolescent Literature*, Tehran: Dabizesh.
- Hakimi, Mahmoud and Mehdi Kamous. (2003). *Fundamentals of Children and Adolescents Literature*, Tehran: Arun.
- Kashefi Khansari, Seyed Ali. (2021) *Religious literature for children and adolescents*, Tehran: Arun.
- Kianoosh, Mahmoud. (1991). *Children of the world*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Kianoosh, Mahmoud. (2000). *Children's Poetry in Iran*, Tehran: Agah.
- Kianoosh, Mahmoud. (2006). *Our Sun House*, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Kianoosh, Mahmoud. (2010). *Jomjomak*, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Mohammadbeigi, Nahid. (2010). *The Mystery of Children and Adolescent Literature (Content Analysis of Children-Stories and Poetry from 1300-1385)* Tehran: Tarfand.
- Mohammadi, Mehdi. (2010). "A Study of the Publication of Religious Stories of Children and Adolescents between 2006-2007" *Quarterly Journal of the Public Libraries Foundation*, 16 (4), pp. 55-82.
- Mortazavi Kermani, Alireza. (1985). *Criteria and principles of critique of books for children and adolescents*; Tehran: Islamic Culture and Art Center Publications.
- Mousipour, Nematullah & Yahya Talebian. (2000 and 2001). "The Hidden Connections of Children's Animology and Poets' Imagination" *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, Shahid Bahonar University of Kerman, Volumes 8 and 9 (7 in a row) pp.119-133.
- Ostadzadeh, Zahra. (2012). "Content study of Parvin Dolatabadi's children's poems on the boat of clouds and almond flowers"; *Journal of Children's*

Literature Studies, Shiraz University, 3 (2), pp. 1-24

- Qasemnia, Shokooh. (1989). Anthem of Nobaharan, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Qasemnia, Shokooh. (2002). The crow laughed; Tehran: Zaytoun.
- Qasemnia, Shokooh. (2003). Voice training for primary and preschool classes; Tehran: Purple Books.
- Qasemnia, Shokooh. (2009). Poorang Songs, Tehran: Purple Books.
- Qezelayag, Soryya. (2004). Children's literature and reading promotion. Tehran: Organization and compilation of university humanities books (position).
- Rahmandoust, Mostafa. (1984). Spring of light; Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Rahmandoust, Mostafa. (1990). Blue Alleys, Tehran: Mehrab Qalam.
- Rahmandoust, Mostafa. (1995). Garden of Kindness, sixth edition, Tehran: Madrase.
- Rahmandoust, Mostafa. (1998). Music in the Wind, Tehran: Madrese.
- Rahmandoust, Mostafa. (2001). The sky is still blue, Tehran: Mehrab Qalam.
- Rahmandoust, Mostafa. (2006). Songs of caress; Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Rahmandoust, Mostafa. (2009). Songs of the beautiful city; Tehran: Shahr Publishing.
- Rahmandoust, Mostafa. (2012). Niayesh Songs, Tehran: Ofogh.
- Rasoulzadeh Tabatabai, Kazem, Roghayeh Nasirzadeh and Fariba Khoshbakht. (2007). "A study of the predictive power of demographic characteristics and perception of primary school children of parental characteristics on their perception of the concept of God" *Journal of Psychological Studies*, 3 (4); pp. 69-85.
- Sadeghzadeh, Mahmoud and Maryam Zare Bidaki. (2014). "A study of the main linguistic and pictorial features in Rahmandoust's poems" *Studies of Children's Literature*, 5 (2), pp: 75-106.
- Sahba, Forough; Mohammad Reza Omranpour, and Ali Eskandari. (2016). "Poetic expression of Quranic themes in children's poetry" *Literary-Quranic Research*, 4 (4), pp. 144-125.
- Salajegheh, Parvin. (2008). from this eastern garden; Theories of Children and Adolescents Poetry Criticism, Second Edition, Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center.
- Shabani, Assadollah. (2008). Tang Bloor Aseman, Tehran: Monadi Tarbiat.
- Shabannejad, Afsaneh. (1991). Snow Blossoms, Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center.
- Shabannejad, Afsaneh. (1995). Baba and Baran; Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.

- Shabannejad, Afsaneh. (2009). *Me or My Doll*, Tehran: Educational Research and Planning Organization.
- Soglatuni, Maryam. (2007). *and the God Nearby: Theology in Children and Adolescents Poetry*, Qom: Islamic Republic of Iran Broadcasting, Islamic Research Center.
- Wonder Zandan, James W. (2004). *Developmental Psychology*, translated by Hamzeh Ganji, Tehran: Be'sat.
- Zarghani, Seyed Mehdi. (2007). "Content study of children's poetry in the seventies" *Studies of Children's Literature*, No. 159, pp. 167-192.

فهرست منابع فارسی

- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۳) خدا چه مهربان است، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۴ الف) پروانه در باران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۴ ب) مثل یاس؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۵) ای ایران، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۵) کلاغ تشنه، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۷)، فصل خون مهتاب، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۲) تو بوی سیب میدهی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۲) سبزه‌پوش مهربان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۲) ماری که شاعرم کرد، تهران: فدایانی.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۶) رازهایی در باد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۸) غصه‌ها را ساده کن، تهران: مدرسه.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۹) تکرار نام تو، تهران: انجمن قلم ایران.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۹۱) در باغ سبز قرآن، تهران: صابرین.
- استادزاده، زهرا (۱۳۹۱) «بررسی محتوایی اشعار کودکانۀ پروین دولت‌آبادی بر قایق ابرها و گل بادام»؛ *مجله مطالعات ادبیات کودک*، دانشگاه شیراز، (۲) ۳، صص ۱-۲۴.
- اسکندری، حسین (۱۳۷۳) «بررسی مفهوم خدا در کودکان ۴ تا ۱۲ ساله»؛ *نشریه تربیت*، شماره ۹۲؛ صص ۶-۹.
- حکیمی، محمود و کاموس، مهدی (۱۳۸۲) مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: آرون.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۶۳) چشمۀ نور؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۶۹)، کوچه‌های آبی، تهران: محراب قلم.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۴) باغ مهربانیها، چاپ ششم، تهران: مدرسه.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۷) موسیقی در باد، تهران: مدرسه.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۰) آسمان هنوز آبی است، تهران: محراب قلم.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۵) ترانه‌های نوازش؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۸) ترانه‌های شهر زیبا؛ تهران: نشر شهر.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۱) ترانه‌های نیایش، تهران: افق.

- رسول‌زاده طباطبایی، کاظم، نصیرزاده، رقیه و خوشبخت، فریبا (۱۳۸۶) «بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خصوصیات دموگرافیک و ادراک کودکان دبستانی از ویژگیهای والدین بر ادراک آنان از مفهوم خدا»، فصلنامه مطالعات روانشناختی، (۴) ۳؛ صص ۶۹-۸۵.
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۶) «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد»، مطالعات ادبیات کودک، شماره ۱۵۹، صص ۱۶۷-۱۹۲.
- سقلاطونی، مریم (۱۳۸۶) و خدایی که در این نزدیکی است: خدا شناسی در شعر کودک و نوجوان، قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷) از این باغ شرقی؛ نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۰) شکوفه‌های برفی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۴) بابا و باران؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۸۸) من یا عروسک من، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۷) تنگ بلور آسمان، تهران: منادی تربیت.
- صادق‌زاده، محمود و زارع بیدکی، مریم (۱۳۹۳) «بررسی اصیلترین ویژگیهای زبانی و تصویرآفرینی در اشعار رحماندوست»، مطالعات ادبیات کودک، (۲) ۵، صص ۷۵-۱۰۶.
- صهباء، فروغ؛ عمرانی، محمدرضا و اسکندری، علی (۱۳۹۵) «بیان شاعرانه مضامین قرآن در شعر کودک»، پژوهشهای ادبی - قرآنی، (۴) ۴، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- غفاری، سعید (۱۳۷۹) گامی در ادبیات کودک و نوجوان، تهران: دبیزش.
- فضیلت، محمود، (۱۳۸۶)، زبان و ادبیات کودک و نوجوان، کرمانشاه: طاق بستان.
- قاسم‌نیا، شکوه (۱۳۶۸) سرود نوبهاران، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- قاسم‌نیا، شکوه (۱۳۸۱) کلاغه به خنده افتاد؛ تهران: زیتون.
- قاسم‌نیا، شکوه (۱۳۸۲) صدآموزی برای کلاس‌اولیها و پیش‌دبستانیها؛ تهران: کتابهای ارغوانی.
- قاسم‌نیا، شکوه (۱۳۸۸) ترانه‌های پورنگ، تهران: کتابهای ارغوانی.
- قزل‌ایغ، ثریا (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
- کاشفی خوانساری، سید علی (۱۴۰۰) ادبیات دینی کودک و نوجوان، تهران: آرون.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۰). بچه‌های جهان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۹) شعر کودک در ایران، تهران: آگاه.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۵) آفتاب خانه ما، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۹) جمجمک، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محمدبیگی، ناهید (۱۳۸۹) رازکای ادبیات کودک و نوجوان (تحلیل محتوایی کودک-قصه و شعر از سال ۱۳۰۰-۱۳۸۵) تهران: ترفند.
- محمدی، مهدی (۱۳۸۹) «بررسی وضعیت انتشار داستانهای دینی کودکان و نوجوانان بین سالهای ۱۳۸۵-»، فصلنامه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، (۴) ۱۶، صص ۵۵-۸۲.

مرتضوی کرمانی، علیرضا (۱۳۶۴) ضوابط و اصول نقد کتابهای کودکان و نوجوانان؛ تهران: انتشارات کانون فرهنگ و هنر اسلامی.

موسی‌پور، نعمت‌الله و طالبیان، یحیی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۰) «پیوندهای پنهان جاندارپنداری کودکان و تخیل شاعران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۸ و ۹ (پیاپی ۷) صص ۱۱۹-۱۳۳.

وند زندن، جیمز دبیلیو (۱۳۸۳) روانشناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی، تهران: بعثت.

معرفی نویسندگان

سارا وثوقیان منش: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: vesog1394@gmail.com)

جلیل نظری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: J.nazari@iauyasooj.ac.ir: نویسنده مسئول)

محمدهادی خالقیزاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: asatirpars@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Sara Vosoghyan Manesh: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: vesog1394@gmail.com)

Jalil Nazari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: J.nazari@iauyasooj.ac.ir: Responsible author)

Mohammad Hadi Khaleqzadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: asatirpars@yahoo.com)